

خلق عظیم پیامبر ﷺ

مرتضی رحیمی*

چکیده

خلق نیکو مهم‌ترین چیزی است که مصلحان و پیامبران به آن نیاز دارند. حسن خلق با فضیلت‌ترین صفات پیامبران و شریف‌ترین اعمال صدیقان است. از همین روی، در آیات چندی از قرآن کریم، خلق پیامبر ﷺ مورد ثنا و ستایش قرار گرفته است.

عنوان «عظیم» در مواردی به کار می‌رود که چیزی قابل توصیف و ادراک نباشد. در خصوص تفسیر «خلق عظیم» موارد چندی بیان شده است؛ از جمله اینکه برخی آن را دین اسلام می‌دانند. برخی نیز منظور از خلق عظیم را آداب قرآنی یا قرآن دانسته‌اند. برخی هم خلق عظیم را صبر و تحمل و تدبیر بر مقتضای عقل تعبیر کرده‌اند. تحمل سختی‌ها و صبر پیامبر ﷺ در برابر ناملازمات بر اساس روایات و تصریح خود پیامبر ﷺ مشهور است. هرچند موارد یاد شده خلق پیامبر ﷺ هستند، اما خلق حضرت به موارد یاد شده محدود نمی‌شود و همه صفات روحی، اجتماعی، شخصی، انسانی، خانوادگی و... ایشان را دربر می‌گیرد. بر اساس برداشت دیگر، منظور از خلق عظیم پیامبر ﷺ آن است که ایشان جامع مکارم اخلاقی بوده‌اند. نمونه‌های چندی از ویژگی‌های اخلاقی پیامبر ﷺ در روایات و متون تاریخی مورد اشاره قرار گرفته است. کلیدواژه‌ها: خلق، خلق عظیم، مکارم اخلاق، اخلاق اجتماعی.

مقدمه

جهان امروز با وجود پیشرفت‌های زیاد علم و صنعت، بیش از هر زمان دیگر به خلق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در قرآن از آن به «خلق عظیم» تعبیر شده، نیاز دارد؛ چه آنکه در مقابل پیشرفت‌های شگرف و اعجاب‌انگیز بشر، در کجی‌ها و انحرافات نیز پیچیدگی زیاد شده است، به گونه‌ای که - مثلاً - با وسایل پیشرفته، ظلم و ستم و دزدی و غارت و برخوردهای زشت و زورگویی‌ها بیشتر به چشم می‌خورد. چه ظلم‌ها، ستم‌ها و ویرانی‌ها به اسم آزادی و دموکراسی به بار نمی‌آید و چه برخوردهای زشت و غیرانسانی که صورت نمی‌گیرد. در واقع، در جهان امروز «انسان»، فراموش شده و به سقوط اخلاقی و سوءاخلاق دچار گشته است. از این رو، برخی از آشتی با خدا و لزوم یاری گرفتن از دین و مذهب سخن می‌گویند.

مسئله انحطاط و سقوط اخلاق که بشر امروزی به آن مبتلا شده به دنیای غرب خلاصه نمی‌شود؛ چراکه از طریق اینترنت و انواع آنتن‌ها از غرب به شرق نیز راه یافته و دامن شرق و دنیای اسلام را نیز گرفته است. از سویی، اغلب مسلمانان آن‌گونه که باید و شاید بر اساس تعالیم اخلاقی اسلام و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله خود را تربیت ننموده و از آن بهره ننگرفته‌اند و در مواردی که خواسته‌های خود را با تعالیم اخلاقی اسلام در تعارض می‌بینند، اخلاقیات را کنار می‌گذارند و در مواردی به جای حسن خلق، به سوءخلق مبتلا می‌شوند و در مراودات و روابط خود با دیگران برخورد بد و بد زبانی و بد رفتاری را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهند. حال آنکه تنها

عمل کردن به یک فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله که در آن آمده: «مسلمان کسی است که مسلمانان (مردم) از دست و زبان وی آسوده و در امان باشند»،^(۱) بسیاری از مشکلات جوامع اسلامی و مسلمانان را حل نموده و به ایجاد مدینه فاضله کمک می‌نماید. به همین سبب، سخن گفتن از خلق و خوی پیامبر صلی الله علیه و آله، که به گفته قرآن بشارت‌دهنده و ترساننده و رحمت برای همه جهانیان^(۲) و الگو و سرمشق برای مردم می‌باشد^(۳) و به فرموده خود پیامبر صلی الله علیه و آله رسالتش برای تکمیل بزرگواری‌ها و مکارم اخلاقی^(۴) بوده است، موجه می‌نماید، هرچند که اطلاق عنوان «عظیم»^(۵) بر خلق پیامبر صلی الله علیه و آله نشان از آن دارد که پی بردن به خصوصیات و خلق پیامبر صلی الله علیه و آله، به طور کامل، بسیار دشوار و بلکه غیرممکن است.

در خصوص خلق عظیم پیامبر صلی الله علیه و آله و تفسیر و تبیین آن تحقیق مستقلی صورت نگرفته، اما مفسران و دانشمندان اسلامی در ذیل تفسیر آیه «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» و برخی از دیگر آیات، در این باره به اظهار نظر پرداخته‌اند، همچنین در سخنان معصومان علیهم السلام بخصوص در نهج البلاغه درباره ویژگی‌های پیامبر داوری شده است، علامه طباطبائی در کتاب سنن النبی در مورد ویژگی‌ها و خصوصیات پیامبر صلی الله علیه و آله نگاشته و در این باره از روایات بهره جسته است. در منابع تاریخی هم نکاتی درباره ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و خلق عظیم ایشان مورد اشاره قرار گرفته است. از همین روی، در تحقیق حاضر، خلق پیامبر صلی الله علیه و آله و منظور از عظیم بودن آن مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مفهوم خلق

در لغت، (۶) خلق به ضم خاء و سکون لام و نیز ضم خاء و لام به معنای سنجیه و سرشتی که فرد براساس آن آفریده شده به کار رفته است. تنها جمع مکسری که از کلمه یادشده استعمال شده، «اخلاق» می باشد. خلق با همان شکل یادشده، در معنای دین و مردانگی نیز به کار رفته است. خلقت به کسر خاء بر فطرتی که انسان بر آن است اطلاق شده است. راغب اصفهانی در تعریف خلق می نویسد:

«خُلِقَ (به فتح خاء) و خُلِقَ (به ضم خاء) در اصل یکی است؛ مثل شَرِبَ و شُرِبَ و صَرِمَ و صُرِمَ (قطع کردن بریدن)، کلمة خُلِقَ (به فتح خاء) مخصوص اشکال واجسام و صورت هایی است که با حواس درک می شوند و خُلِقَ (به ضم خاء) ویژه قوا و سجایابی است که با فطرت و دل درک می شوند. خداوند تعالی فرموده: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾. (۷) طبرسی نیز خلق را این گونه تعریف کرده است: «حقیقت خلق آداب و خوی هایی است که نفس آدمی کسب می کند. از آن جهت خلق نامیده شده که همانند امور خلقی و آفرینشی در انسان می شود، اما سجایا و خوی هایی که کلیعی انسان است «خیم» نامیده می شوند. از این روی، «خلق»، همان طبیعت مکتسب و «خیم» طبیعت غریزی می باشد.» (۸)

با توجه به آنچه در معنای لغوی خلق گذشت، هر فردی دارای دو صورت و شکل ظاهر و باطن است. هر یک از دو صورت یادشده اوصاف و معانی خاص خود را دارد که برخی حسن و برخی قبیح هستند. با وجود این، ثواب و عقاب، بیشتر به اوصاف شکل باطنی انسان تعلق می گیرند تا اوصاف شکل ظاهری

وی. از همین روی است که - چنانچه خواهیم دید - در روایات به صورت های گوناگون از حسن خلق تعریف و تمجید شده است.

واژه «خلق» به ضم خاء و ضم لام در دو جای قرآن به کار رفته است. مورد اول - که بعداً درباره آن تحت عنوان «خلق عظیم» بررسی مفصل صورت خواهد گرفت - آیه ۴ سوره «قلم» می باشد: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾. مورد دوم نیز آیه ۱۳۷ سوره «شعراء» است که در آن آمده: ﴿إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ﴾؛ این نیست مگر همان خوی و عادت پیشینیان. «خلق» در اصطلاح، (۹) عبارت است از ملکه یا کیفیت راسخ در نفس که به خاطر آن از انسان افعالی بدون فکر و تأمل سر بزند. «ملکه» حالت و کیفیتی نفسانی است که به کندی و دیر زوال می یابد. در مقابل، «حال» کیفیتی نفسانی است که به سرعت از بین می رود. خلق از طریق مزاج و عادت به انجام کاری بدون فکر و تأمل و نیز با تکلیف و صبر و پایداری بر انجام کاری به وجود می آید. مثلاً، خُلِقَ سخاوت وقتی به این صورت باشد که انسان در هنگام بخشش دچار تردید نشود و به خودی خود آن را انجام دهد، در این صورت، فضیلت سخاوت در انسان شکل گرفته است.

با توجه به آنچه گذشت، اخلاق فردی از مجموع غرایز انسان تشکیل شده است که برخی از آنها ذاتی یا وراثتی یا فطری بوده و در اصل خلقتش نهفته است، اما برخی از آنها کسبی است که از طریق تمرین و تقلید در انسان شکل می گیرد و پس از استقرار در نفس و ملکه شدن برای انسان، اعمال و رفتار وی براساس ملکه یادشده صورت می گیرد، به

3

گونه‌ای که نمی‌تواند عمل به مقتضای آن را ترک کند. اصول صفات پسندیده در انسان عبارتند از: حکمت، شجاعت، عفت و عدل. و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کامل‌ترین حالت اعتدال این صفات موفق شده است. ^(۱۰) از همین روی است که خداوند او را با ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ ستوده است. اما مردم دیگر در رسیدن به این صفات متفاوت می‌باشند، به گونه‌ای که برخی از مردم به آنها نزدیک و برخی از آنها دور هستند. با وجود این، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که دارای خلق عظیم بوده و بعثت برای تتمیم مکارم اخلاقی صورت گرفته است، بهترین الگو برای بشریت بخصوص مسلمانان می‌باشد.

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «خالق الناس بخلق حسن و اذا عملت سیئة فاعمل حسنة تمحوها» ^(۱۱) با مردم با اخلاق نیکو معاشرت کن و هرگاه کار بدی انجام دادی کار خوبی انجام بده تا آن را محو کنی. از همین روی، هنگامی که کلمه اخلاق به طور مطلق و بدون قید به کار می‌رود به خلق حسن منصرف می‌باشد.

اخلاق خوب به دو نوع «محاسن اخلاق» و «مکارم اخلاق» تقسیم می‌شود. منظور از محاسن اخلاق خوی‌هایی است که حسن اجتماعی و عرفی داشته، مایه بهزیستی و تحکیم روابط اجتماعی می‌باشد. نیز مردم را به ادب و احترام متقابل واداشته و با ایجاد مهر و محبت، به زندگی نشاط می‌بخشد. در مقابل، مکارم اخلاق صفاتی است که به انسان کرامت و بزرگواری بخشیده و موجب تعالی و کمال روحی وی می‌شود و در سطحی بالاتر از قضاوت عرف، و دید اجتماعی می‌باشد.

تقسیم یادشده را می‌توان از سختی از علی علیه السلام که هر دو عنوان یادشده در آن به کار رفته نتیجه گرفت. آن حضرت می‌فرماید: «ذللوا اخلاقکم بالمحاسن و قودوها الی المکارم» ^(۱۲) خوبی‌هایتان را با محاسن اخلاق رام کنید و آنها را به سوی مکارم اخلاق سوق دهید:

با توجه به تقسیم یادشده، صله رحم نسبت به خویشی که صله رحم می‌کنند، از محاسن اخلاق تلقی می‌شود و نسبت به خویشی که قطع رحم می‌کند، از مکارم اخلاق می‌باشد. نیز بخشش از مازاد نیاز خود، از محاسن اخلاق، و از آنچه خود فرد به آن نیاز دارد (ایشان) مکارم اخلاق به حساب می‌آید. ^(۱۳)

علاوه بر آنکه در اسلام از حسن خلق تعریف و تمجید شده، حدود و مرز آن هم مشخص گردیده است، چنان‌که در روایتی آمده: امام صادق علیه السلام در پاسخ به این پرسش که حد حسن خلق چیست؟ فرمودند: آنکه با اطرافیان نرم باشی و پاکیزه و مؤدب سخن گویی و با برادرت با صورت گشاده رویه رو شوی. ^(۱۴) از سوی، حسن خلق یکی از مصادیق مکارم اخلاق می‌باشد؛ چه آنکه براساس برخی روایات، ^(۱۵) مکارم اخلاق از مصادیقی همچون یقین، شکر، حلم، حسن خلق، سخاوت، غیرت، شجاعت، مروّت، صدق، ادای امانت و... تشکیل شده است.

حسن خلق و نیز سوء خلق در دو معنای اعم و اخص به کار می‌روند؛ به این صورت که حسن خلق به معنای اعم، متعلق بودن انسان به همه اخلاق نیکو و خوی‌های ستوده است و در مقابل، سوء خلق به معنای مستصف بودن آدمی به صفات زشت و

نکوهیده. اما حسن خلق به معنای اخص به معنای برخورد با مردم با گفتار خوش و روی شاد و چهره گشاده و پرهیز از خشونت در گفتار و ترشرویی و درشتخویی است.

اخبار و روایاتی که حسن خلق را تشویق و ترغیب، و از سوء خلق نکوهش و مذمت و نهی می کند بیشتر حسن خلق و سوء خلق به معنای دوم یا معنای اخص آنها را مورد توجه دارند. (۱۶) از همین روی، علامه طباطبائی در ذیل آیه «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ» می فرماید: «آیه یاد شده گرچه به خودی خود حسن خلق پیامبر ﷺ را ستوده و بزرگ می شمارد، اما از نظر سیاق، به اخلاق اجتماعی پیامبر ﷺ که ناظر به معاشرت با مردم است، مانند پایداری بر حق، شکیبایی بر آزار مردم و جفای فرومایگان، گذشت و اغماض، فراگیری بخشش، رفق و مدارا، فروتنی و غیره.» (۱۷)

خلق عظیم پیامبر ﷺ

خلق نیکو از مهم ترین چیزهایی است که مصلحان و پیامبران به آن نیاز دارند. از همین روی است که قرآن می فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹) به موجب این آیه، از جمله رحمت خداوند بر مردم آن است که پیامبر ﷺ نسبت به مسلمانان مهربان است و همواره با خوشرویی و ملایمت رفتار می کند. در غیر این صورت، از گرد او پراکنده می شدند، از همین روی، نراقی می گوید: «حسن خلق با فضیلت ترین صفات پیامبران و شریف ترین اعمال صدیقان است و از این جهت خدای تعالی در مقام مدح و ثنای حبیب خود و

یادآوری نعمت خویش می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ» (نلم: ۴)؛ و تو خلقی عظیم داری. (۱۸)

از همین روست که سه چیز مایه و موجب پیشرفت اسلام دانسته شده: مال خدیجه ﷺ برای طمع به مال، شمشیر علی ﷺ برای ترس و اخلاق پیامبر ﷺ برای طالبان حق. (۱۹)

پیامبر ﷺ با وجود حسن خلقی که داشت و با وجود مدح بسیار بالای خداوند از ایشان به خاطر خلق نیکویش، و به رغم آنکه در همه کمالات علمی و عملی و اخلاقی از همه پیامبران و ملائکه و غیر آنها برتر بود، (۲۰) همواره در دعا از خدا می خواست که او را به محاسن اذب و مکارم اخلاق زینت بخشد: خدایا، آفرینش و خلق مرا نیکو گردان و زشتی های اخلاق را از من دور کن. (۲۱)

چنان که می دانیم، این دعاها به اجابت رسید و خداوند مکارم اخلاق را برای پیامبر ﷺ کامل نمود، سپس ایشان را به سوی همه مردم فرستاد تا برای آنها مکارم اخلاق را تکمیل کند.

گروندگان به اسلام سه دسته بودند: برخی از ترس جان، بعضی به طمع مال و گروهی هم به خاطر اخلاق پیامبر ﷺ مسلمان می شدند. اسلام این دسته از روی حقیقت و از اعماق دل و با تمام وجود بوده است. (۲۲) داستان زیر شاهدی بر این مدعاست: فردی یهودی هر روز بالای بام می رفت و بر سر پیامبر ﷺ خاک می ریخت. چند روز در این کار وقفه افتاد. پیامبر سبراغ او را گرفتند، گفتند مریض است. حضرت هم به عیادت او رفتند. همچنین پس از فتح مکه و تسلط بر سران قریش فرمودند: یا شما همان معامله ای می کنم که برادرم

پیامبر ﷺ چیزی به او فرمود: از آن زن پرسیدند: این چه کاری بود که کردی؟ گفت: مریضی داشتم، خواستم یک قطعه لباس حضرت را برای استشفای بیم. در بار اول و دوم حیا کردم، اما در بار سوم بردم. (۲۴) -

این عباس درباره نیکو خوئی پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کند: روزی حضرت با اصحاب در مسجد نشسته بود که اعرابی با شمشیر حمایل و سوسماری در دامن وارد شد و گفت: محمد ساحر کذاب کجاست؟ اصحاب برخاستند تا او را بزنند، اما پیامبر ﷺ فرمودند: شما را سوگند می‌دهم که دسته نگه دارید. پیامبر ﷺ به آن مرد اعرابی فرمودند: ای برادر عرب! که را می‌جویی؟ گفت: محمد ساحر کذاب را! پیامبر ﷺ فرمودند: محمد منم، اما ساحر و کذاب نیستم و بلکه رسول خدا هستم. اعرابی گفت: سوگند به لات و عزی اگر جمال رویت نبود به روی تو شمشیر می‌کشیدم. به لات سوگند که به تو ایمان نمی‌آورم تا آنکه این سوسمار به تو ایمان آورد! پیامبر ﷺ فرمودند: ای سوسمار، سوسمار گفت: بیک یا رسول‌الله! پیامبر ﷺ فرمودند: من که هستم؟ سوسمار گفت: تو رسول خدا هستی. اعرابی از دل پاک ایمان آورد و گفت: ای رسول خدا در این مسجد وارد شدم در حالی که در همه روی زمین کسی به من دشمن‌تر از تو نبود، حال که باز می‌گردم در همه روی زمین کسی به من از تو دوست‌تر نیست. (۲۳)

همچنین گفته شده: زنی از انصار آمد و لباس پیامبر ﷺ را گرفت. حضرت برخاست، زن رها کرد و رفت و دوباره آمد. حضرت برخاست، زن رها کرد و رفت و بار سوم آمد و لباس را گرفت. حضرت برخاست و رفت. نه آن زن چیزی گفت و نه

از خلق عظیم پیامبر ﷺ در سوره «قلم» یاد شده؛ سوره‌ای که از حیث ترتیب نزول بلافاصله پس از سوره «علق» (اولین سوره نازل شده قرآن) نازل شده است. محتوای این سوره نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ پیش از بعثت هم دارای خلق عظیم بوده و همین خلق عظیم از جمله دلایل برگزیده شدن ایشان به عنوان پیامبر بوده است. و از سویی، به سر سخن ایشان در خصوص مبعوث شدنشان برای تکمیل مکارم اخلاق می‌توان پی برد. آیه «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام: ۱۲۴) نیز به نوعی ارتباط بین بعثت پیامبر ﷺ و خلق عظیم ایشان را نشان می‌دهد، بخصوص آنکه بارها مورد استناد برخی از مردم که با فضایل اهل بیت ﷺ مواجه شده‌اند قرار گرفته است. (۲۵) تأیید دیگر آنکه به موجب روایتی از امام صادق ﷺ، خداوند - عزوجل - پیامبرش را ادب یاد داد و نیکو ادب یاد داد. هنگامی که ادب وی کامل شد فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (۲۶)

از همین روی، به تعبیر یکی از بزرگان، خداوند خلق را به چند دسته آفرید و در هر دسته خویشی را قرار داد و از خویشان، افراد خالص یعنی پیامبران و از میان پیامبران چکیده آنها، یعنی پیامبران اولوالعزم را برگزید و از میان چکیده پیامبران (اولوالعزم) چکیده آنها، یعنی محمد را انتخاب نمود. (۲۷)

علاوه بر آنکه در قرآن به خلق پیامبر ﷺ مورد ثنا

منظور از خلق عظیم داشتن پیامبر ﷺ چنان‌که گذشت، پیامبر ﷺ به اعتراف صحابه و نزدیکانشان، خوش‌اخلاق‌ترین مردم و حتی خوش‌خلق‌ترین پیامبران بوده‌اند. از سویی، در قرآن بالاترین مدح در خصوص خلق آن حضرت صورت گرفته و خداوند با عبارت «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٌ» از ایشان تعریف و تمجید نموده است. اینک جای این پرسش است که منظور از «خلق عظیم» چیست و تعبیر یادشده چگونه می‌تواند مدح و ستایش پیامبر ﷺ باشد؟ در پاسخ باید گفت: عنوان «عظیم» در مواردی به کار می‌رود که چیز غیر قابل توصیف و ادراک به وسیله آن توصیف گردد، (۲۴) در قرآن هر جا که عنوان عظیم به کار رفته به نوعی مدعای یادشده را ثابت می‌کند. چنان‌که هدهد در بیان تخت بلقیس گفته: «وَأَلْهَا عَرْشِي عَظِيمٌ» (نمل: ۲۳) این توصیف از آن روی صورت گرفته که تخت بلقیس برای هدهد قابل توصیف نبوده. همچنین خداوند فرموده: «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (نمل: ۲۶) از همین روست که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَظِيمٌ رَفِيعٌ لَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ عَلَىٰ صِفَتِهِ وَ لَا يَلْبِغُونَ كُنْهَ عِظَمَتِهِ» (۳۵)

از سوی دیگر، در آیه «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٌ»، کلمه «عظیم» به دلیل نکره بودن عظمتی را بیان می‌کند که بزرگتر آن وجود ندارد. از همین روی، عظیم مکارم اخلاق پیامبر ﷺ که در کتاب‌ها نقل شده حیرت‌آور دانسته شده است. علاوه بر نکره بودن کلمه «عظیم» و مفهوم آن که اوج عظمت اخلاق پیامبر ﷺ را اثبات می‌کند، تأکیدهای دیگری همچون استفاده از کلمه «إِنَّ» که مفهوم تأکید را می‌رساند و نیز «علی» که استیلا و تسلط را نشان

و ستایش قرار گرفته، وقتی از ائمه علیهم السلام تعریف می‌کردند آنها را به اخلاق پیامبر ﷺ تشبیه می‌نمودند، حتی امام حسین علیه السلام درباره علی اکبر علیه السلام می‌فرمود: «اللهم اشهد علی هؤلاء القوم قد برز علیهم غلام اشبه الناس خلقاً و خُلُقاً و منطقاً برسولک و کنا اذا اشتقنا الی رسولک نظرنا الیه» (۲۸)

در بسیاری از اقوال منقول از صحابه، به این واقعیت اعتراف و اشاره شده است؛ از جمله آنکه ابوبکر خاری با استناد از عایشه روایت کرده که کسی از پیامبر ﷺ خوش‌اخلاق‌تر نبود و هر یک از اصحاب یا اهل خانه حضرت را صدا می‌کردند در جواب لبیک می‌فرمود. (۲۹) در نقل دیگری از عایشه، به نقل از پدرش آمده که رسول خدا به پسندیده‌ترین اخلاق و رضایتمندترین کارها و کامل‌ترین ادب‌ها آراسته بود. (۳۰) همچنین از انس نقل شده است: «من ده سال در خدمت رسول خدا بودم. هرگز به من اف (کمترین کلمه‌ای که موجب رنجش می‌شود) نگفت و برای کاری که انجام داده بودم نفرمود چرا آن را انجام دادی؟ و در خصوص کاری که انجام نداده بودم نفرمود چرا آن را انجام نمی‌دهی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوش‌اخلاق‌ترین مردم بود.» (۳۱) و نیز در صحیح بخاری آمده که البراء گفته: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوش‌سیماترین و خوش‌اخلاق‌ترین مردم بود.» (۳۲)

همچنین احمد بن حنبل با چند واسطه به نقل از عایشه آورده است: «رسول خدا هرگز با دست خودشان خادمشان و نیز زنی را نزدند و با دست خودشان چیزی را نزدند، مگر در راستای جهاد در راه خدا.» (۳۳)

می‌دهد عظمت اخلاق پیامبر ﷺ را اثبات می‌کند؛ چه آنکه کلمه «علی» با توجه به معنایی که برایش بیان شد، بیانگر آن است که پیامبر ﷺ بزرگ‌ترین خلق پسندیده و صفات خوبی که دارا بوده مسلط بوده و از این رو، برای پیامبر ﷺ به منزله امری طبیعی بگفته است. از این رو، در قرآن درباره پیامبر ﷺ آمده است: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (ص: ۸۶) براساس این آیه، پیامبر ﷺ در مورد اخلاقیات و ویژگی‌های خوبی که دارا بوده تکلف نداشته و خصوصیات یادشده برایشان امری طبیعی بوده است.

در خصوص تفسیر «خلق عظیم» پیامبر ﷺ دیدگاه‌ها و اقوالی را می‌توان به صورت زیر بیان داشت:

۱. از نظر ابن عباس و مجاهد و حسن (۳۶) منظور از خلق عظیم، دین اسلام است که دینی بزرگ بوده و از همه ادیان برتر و بزرگ‌تر و دوست داشتنی‌تر و مورد پسندتر می‌باشد. بر اساس این دیدگاه، منظور از آیه یادشده آن است که تو متخلق به اخلاق اسلام و بر طبع کریمی می‌باشی؛ چه آنکه دین اسلام هر خلق پسندیده‌ای را شامل بوده و دربر دارد و از همین روی است که پیامبر ﷺ بعثتش را برای تتمیم مکارم اخلاقی دانسته است.

در نظریه یادشده، گاهی دین عظیم به معنای ولایت علی بن ابیطالب که ولایت مطلقه می‌باشد، دانسته شده است؛ (۳۷) چه آنکه هرکس که از مقام بشری خارج شود و به مقام ولایت مطلقه برسد همه اوصاف رذیله وی که خلق حیوانی و رذایل نفسانی محسوب می‌شود به اوصاف و ویژگی‌های خوب تغییر می‌یابد.

دیدگاه مزبور با روایاتی قابل تأیید می‌باشد؛ از جمله نقل است که امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه یادشده فرموده‌اند: «انک لعلی خلق عظیم هو الاسلام.» و در روایات دیگری آمده: «دین عظیم.» (۳۸)

با وجود آنکه این روایت به گونه‌ای دیدگاه یادشده را تأیید می‌کند، اما این دیدگاه مقبول نیست، مگر آنکه منظور از خلق در آیه، خصوصاً اخلاق اجتماعی پیامبر ﷺ، یعنی مواردی همچون استواری بر حق، صبر در مقابل آزار مردم و خطاکاری‌های اراذل و عفو و اغماض از آنان، سخاوت، تواضع و مشابه آنها باشد. (۳۹)

۲. خلق عظیم، آداب قرآنی یا قرآن است که خداوند به حضرتش ارزانی نموده است. در این خصوص، از عایشه در مورد خلق پیامبر ﷺ پرسش شده که وی در پاسخ گفته است: خلق پیامبر ﷺ قرآن بوده است. در نقل مشابهی از سعد بن هشام آمده که از عایشه در خصوص خلق پیامبر ﷺ پرسش شد. او از سؤال‌کننده پرسید: آیا قرآن نمی‌خوانی؟ گفت: آری. عایشه گفت: همانا خلق رسول خدا قرآن بود. (۴۰) این مسئله با اشکال مختلف و طرق گوناگون از عایشه نقل شده است، چنان‌که وی در پاسخ به پرسشی در این باره گفته است: ده آیه ابتدای سوره «المؤمنون» را بخوان. در اهمیت این ده آیه همین بس که از پیامبر ﷺ نقل شده: هرکس ده آیه یادشده را به پای دارد (عمل کند) بهشت بر وی واجب می‌شود. (۴۱) در آیات نخست که با آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» شروع شده، صفات و ویژگی‌های افراد مؤمن همچون خاشع بودن در نماز، وفای به عهد، ادای امانت و... بیان شده است. از علی علیه السلام نقل شده که منظور از خلق عظیم ادب قرآن است. (۴۲)

و مخالفان دین اسلام تا حدی بوده که خود حضرت می فرماید: «هیچ پیامبری همانند من اذیت نشده است.» (۴۵) و از صادقین علیهم السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله از قوم خویش بیلای شدیدی دید، به گونه ای که یک روز که در حال سجده بود به روی ایشان شکمبه گوسفندی انداختند. (۴۶)

با وجود این سختی ها، پیامبر صلی الله علیه و آله قوم خویش را دعا می نمود و می فرمود: «أَلَمَّا بَعَثت رَحْمَةً أهد قومی فأنهم لا یعلمون.» (۴۷)

گرچه موارد یادشده خلق پیامبر می باشند، اما خلق پیامبر صلی الله علیه و آله تنها به این موارد منحصر نمی شود؛ زیرا خلق شامل اعمال فاضله و عادات حسنه می شود و همه صفات روحی، اجتماعی و شخصی و انسانی و خانوادگی و دینی فرد را نشان داده و می رساند. از همین روی است که خلق پیامبر صلی الله علیه و آله به «عظیم» متصف شده است.

۴. اطلاق «عظیم» بر خلق پیامبر صلی الله علیه و آله از آن روی بوده که با اخلاق خویش با مردم معاشرت داشت، اما با قلبش از مردم جدا بود. به عبارتی، ظاهرش با مردم و باطنش با خداوند بود. (۴۸)

۵. منظور از «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ» آن است که تو بر ادبی عظیم هستی. این قول از عطیه نقل شده است. (۴۹) در ارتباط با این قول از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیثی نقل شده که در آن فرموده اند: «ادبنی ربی فاحسن تأدیبی.» (۵۰) و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «همانا خداوند - عزوجل - پیامبرش را ادب آموخت و نیکو ادب آموخت. هنگامی که ادب ایشان کامل شد فرمودند: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» وقتی که چنین شد (ادب ایشان کامل

با توجه به آنکه بسیاری از آیات قرآن از اخلاق، از جمله اخلاق اجتماعی و معاشرتی سخن می گویند، بخصوص آنکه سوره «حجرات» یک سوره کاملاً اخلاقی است و اخلاقیات اسلام را بیان می دارد، چگونگی اعتقاد به این قول روشن می شود. بین این قول و قول پیشین و اقوال بعد تنافی نیست؛ زیرا اسلام و قرآن با هم قابل جمع هستند، بخصوص آنکه شیخ طوسی به روایتی اشاره کرده که به موجب آن، پیامبر صلی الله علیه و آله به حکم قرآن به داشتن خلق عظیم متصف شده است. (۴۳)

۳. صبر بر حق و سعه بذل در آن، و تذیر امور بر مقتضای عقل که مقرون است به صلاح و رفق و مدارا و تحمل مکاره و سختی ها در مورد دعوت مردم به خداوند، و گذشت و عفو و بذل جهد در نصرت مؤمنان و ترک حسد و حرص و غیر آن. (۴۴) این قول از ابوعلی جبابی نقل شده است. از همین روی است که خداوند می فرماید: «وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (فصلت: ۲۶)؛ یعنی صفاتی همچون حلم، عفو، گذشت، ایمان راسخ، قوه تحمل سختی ها و مانند آنها مخصوص کسانی است که بهره بزرگی از ایمان و تقوا و اخلاق دارند. نیز می فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزمّل: ۱۰)؛ در برابر آنچه می گویند شکبیا باش و به طرزی شایسته از آنها دوری کن. و در جای دیگر فرموده: «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» (نحل: ۱۲۷)؛ ای محمد، در ابلاغ رسالت صبر کن و آزار و اذیت ها را تحمل کن و مطمئن باش که خداوند تو را بر صبوری و بردباری توفیق می دهد و کارها را برای تو آسان می کند.

تحمل پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر سختی ها و آزار قریش

شد)، خداوند آیه ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٌ﴾ را نازل فرمود. با توجه به آنکه ادب به معنای تربیت نوع خوب است و از سویی، گاهی (۵۱) اخلاق از ثمرات تربیت و بلکه از مهم‌ترین ثمره تربیت به شمار می‌آید، چگونگی این قول و ارتباط حدیث‌های یادشده با آن روشن می‌گردد.

۶. خلق پیامبر ﷺ از آن‌روی عظیم خوانده شده که آن حضرت جامع مکارم اخلاق بوده، همان‌گونه که خود ایشان می‌فرماید: «بِعَثِّ لَاتِمُّ مَكَارِمَ الْإِخْلَاقِ» (۵۲) به همین خاطر است که پیامبر ﷺ بارها به صور گوناگون حسن خلق را تشویق نموده، بهترین مردم را خوش‌اخلاق‌ترین آنها دانسته است. (۵۳) ایشان با اشاره به تأثیر حسن خلق در افزایش عمر و آبادانی سرزمین‌ها، (۵۴) حسن خلق را هم‌ردیف عبادت فرد شب زنده‌دار و روزه‌دار دانسته و فرموده‌اند: «أَنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَدْرِكَ بِحَسَنِ خَلْقِهِ دَرَجَاتٍ قَائِمَ اللَّيْلِ وَصَائِمِ النَّهَارِ» (۵۵)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «وَاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ مَكَارِمَ الْإِخْلَاقِ وَكَانَ فِيمَا خَاطَبَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ (ص) أَنْ قَالَ يَا مُحَمَّدُ: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٌ﴾ قَالَ السَّخَاءُ وَحَسَنَ الْخُلُقِ» (۵۶)

برخی ویژگی‌های اخلاقی پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ خصوصیات و ویژگی‌های بسیار برجسته و الایسی داشته‌اند که می‌تواند برای جهانیان بخصوص مسلمانان که به او مباحثات می‌کنند سرمشق و الگو باشد. برخی از خصوصیات پیامبر ﷺ را از لایه لای سخنان ایشان می‌توان استخراج کرد. به عبارتی، یکی از منابع بسیار کارساز

برای شناخت شخصیت پیامبر ﷺ سخنان ایشان در معرفی خودشان است که می‌توان از آنها به عنوان «محمد از زبان محمد» تعبیر نمود. این‌گونه سخنان که موارد فراوانی را تشکیل می‌دهند، و می‌توانند به عنوان تحقیقی مستقل و مفصل بررسی گردند. بسیاری از ویژگی‌ها و خصوصیات جالب پیامبر ﷺ را می‌توان از طریق معصومان علیهم السلام و صحابه ایشان دریافت. در ذیل، به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

۱. همنشینی با فقرا و مساکین و غذا خوردن به همراه ایشان. این امر نشانه تواضع و فروتنی پیامبر ﷺ و از دلایل موفقیت ایشان در ترویج اسلام به حساب می‌آید. با توجه به اینکه علی علیه السلام از زمان طفولیت با پیامبر ﷺ همنشینی داشته و شاهد نزدیک‌ترین و جزئی‌ترین مسائل خصوصی ایشان از جمله شنیدن صدای وحی جبرئیل در کوه حرا و مشاهده ایمان آوردن درخت و... بوده، درباره پیامبر ﷺ می‌فرماید: «به پیامبر پاکیزه و پاک خود اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است برای الگوطلبان... همانا پیامبر ﷺ بر روی زمین می‌نشست و غذا می‌خورد و چون برده ساده می‌نشست و با دست خود کفش خود را وصله می‌زد و جامه خود را با دست خود می‌دوخت و بر الاغ برهنه می‌نشست و دیگری را پشت سر خود سوار می‌کرد» (۵۷)

در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: «بِئْسَ شَيْءٌ أَنْ تَأْكُلَ مِنْ مَرْغٍ رَهًا نَخَوَاهُمْ كَرْدًا: غَدَا خَوْرَدَن بَر رَوِي زَمِين هَمْرَاهُ بَا بِنْدِگَان، سَوَار شَدَن بَر الْاِغ بَدُون پَالَان، دَوَشِيدَن بَز بَا دَسْت خَوْدَم، وَ پَوَشِيدَن پَشْمِينَه وَ سَلَام كَرْدَن بَر كَوْدَكَان تَا پَس از خَوْدَم سَنَت كَرْدَد» (۵۸)

به دیگران به خاطر عدم رعایت عدالت انتقاد می نمودند. برای نمونه، در خصوص فردی که یکی از دو فرزندش را بوسید و دیگری را نبوسید فرمودند: «هلا ساوت بینهما»؛ (۶۴) چرا بین آن دو به تساوی و عدالت رفتار نکردی؟ و پدر و مادر را به رعایت عدالت بین فرزندان تشویق می نمودند.

۶. پیامبر ﷺ از آنچنان ادبی برخوردار بودند که هیچگاه پای مبارکشان را در جلوی یارانشان دراز نمودند.

۷. پیامبر ﷺ هرگاه با افراد مصافحه می کردند (دست می دادند) پیش از آنکه طرف مقابل دستش را رها کند ایشان دستشان را رها نمی کردند.

نتیجه گیری

از آنچه گذشت نتایج زیر به دست می آید:

۱. امروزه که بحران های گوناگون، از جمله بحران هويت، بحران اخلاق و... برای بشر مشکل ساز شده است، روی آوردن به اخلاق پیامبر ﷺ که در قرآن از آن به خلق عظیم تعبیر شده بسیار راهگشا و کارساز است.

۲. خلق نیکوی پیامبر ﷺ از جمله اسباب پیشرفت اسلام بوده، از این رو، برای تبلیغ اسلام و ترویج باورهای دینی خلق نیکو بسیار مفید و اثرگذار است.

۳. توصیف پیامبر ﷺ به خلق عظیم، صرف نظر از اینکه چه معنایی برای آن در نظر گرفته شود، نشان دهنده اهمیت این خصوصیات پیامبر ﷺ و عظمت آن است، این مدعا توسط آیات نظیر ﴿وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ﴾ (نمل: ۲۳) و مشابه آن قابل برداشت و

تواضع و فروتنی پیامبر ﷺ در موارد بسیاری قابل مشاهده است؛ از جمله نقل شده که شخصی بر ایشان وارد شد و از هیبت حضرت لرزید. پیامبر ﷺ به ایشان فرمودند: «به خودت آسان بگیر، من پادشاه نیستم، من پسر زنی از قریش هستم که قد (۵۹) می خورد» (۶۰) از جمله نشانه های تواضع ایشان این بود که با اصحابش به صورت مختلط می نشست، به گونه ای که فرد غریب تازه وارد حضرت را نمی شناخت تا آنکه می پرسید: کدام یک از شما محمد هستید؟

۲. نهی از بدگویی کردن افراد از اصحاب ایشان؛ چراکه نمی خواستند دیدشان نسبت به آنان تغییر کند. حضرت به یارانش می فرمود: «هیچ یک از شما چیزی درباره یارانم به من نگوئید؛ زیرا من دوست دارم که وقتی با شما رویه رو می شوم با سینه سالم بوده باشم» (۶۱)

۳. حضرت بخشنده ترین مردم و بزرگواری ترین ایشان در معاشرت بود، به گونه ای که هرکس با ایشان معاشرت می کرد ایشان را دوست می داشت.

۴. پیامبر ﷺ کم رو و آزرگین بودند. (۶۲) این خصوصیت پیامبر ﷺ تا آن حد بود که چیزی را از ایشان نمی خواستند مگر اینکه آن را می بخشید.

۵. پیامبر ﷺ با اصحاب و یاران خود آنچنان با عدالت رفتار می کرد که حتی در نگاه خود به یارانش تبعیض قایل نمی شد و در جلساتی که با آنان داشت به هریک از صحابه به طور یکسان می نگرست. (۶۳) پیامبر ﷺ علاوه بر آنکه خودشان در خصوص توجه و محبت به دیگران به عدالت رفتار می کردند، دیگران را نیز به آن امر می فرمودند و در مواردی نیز

- ۱۲- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۲۴.
- ۱۳- محمد فرادگر، سیمای اخلاق در آینه قرآن و احادیث، ص ۷.
- ۱۴- عبدعلی جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۹۱.
- ۱۵- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۶.
- ۱۶- علم اخلاق اسلامی، ج ۱، ص ۳۷۳.
- ۱۷- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۹، ص ۳۶۹.
- ۱۸- علم اخلاق اسلامی، ج ۱، ص ۳۷۸.
- ۱۹- عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۶، ص ۱۵۴.
- ۲۰- عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۷، ص ۱۲۴.
- ۲۱- محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۳، ص ۴۳۹.
- ۲۲- عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۹، ص ۴۶۹؛ ج ۶، ص ۱۵۴.
- ۲۳- عبدعلی جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۹۰، به نقل از امام صادق علیه السلام، عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۱۰، ص ۹۷.
- ۲۴- عبدعلی جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۹۰، به نقل از امام صادق علیه السلام و عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۱۰، ص ۹۷.
- ۲۵- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۰۳.
- ۲۶- عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۸۹ و ۳۹۰.
- ۲۷- محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۷، ص ۲۸۷ / همو، تفسیر المبیین، ص ۷۵۸.
- ۲۸- عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۶، ص ۱۵۴.
- ۲۹- علی بن احمد واحدی نیسابوری، اسباب النزول، ترجمه علیرضا ذکارتی، ص ۲۳۴.
- ۳۰- ملاحوش آل غازی عبدالقادر، بیان المعانی، ج ۱، ص ۷۷.
- ۳۱- اسماعیل بن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۲۰۸.
- ۳۲- محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۶۵.
- ۳۳- اسماعیل بن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۲۰۸.
- ۳۴- عبدالحسین طیب، اطیب البیان، ج ۱، ص ۲۸۳.
- ۳۵- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۱۰۲.
- ۳۶- میرزا علیرضا خسروی، تفسیر خسروی، ج ۸، ص ۲۴۵ / محمد ناه مطهری، تفسیر المظهری، ج ۱۰، ص ۳۱.
- ۳۷- سلطان محمد گنابادی، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، ج ۴، ص ۱۹۶.

اثبات است، زیرا کلمه عظیم، مفهوم شگفتی را به همراه خود دارد، از همین روی هدهد در هنگام مشاهده تخت بلقیس شگفت زده شده و آن را به عظیم توصیف نموده است.

۴- با توجه به آیات نخستین نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله و با توجه به شهرت ایشان در پیش از بعثت به «آمین»، برای دریافت وحی و نبوت، به خلق نیکو نیاز است و پیامبر صلی الله علیه و آله با داشتن این خصوصیت زمینه لازم را داشته است.

۵- هرچند که پیامبر صلی الله علیه و آله تمام فضایل اخلاقی را به صورت کامل دارا بوده و به فرموده خودش برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شده است، اما منظور از خلق عظیم مورد اشاره در قرآن، اخلاق اجتماعی و مسواری همچون صبر، حلم، کظم غیظ و... می باشد.

..... پی نوشتها

- ۱- ابن ابی جمهور احسایی، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۸.
- ۲- انبیاء: ۱۰۷ / فرقان: ۱ / سبأ: ۲۸.
- ۳- ﴿و لکم فی رسول اللہ اسوة حسنة﴾ (احزاب: ۲۱).
- ۴- بحث لانسیم مکارم الاخلاق (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۹۲).
- ۵- ﴿انک لملی خلق عظیم﴾ (قلم: ۴).
- ۶- مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۶، ص ۳۲۷ / این منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ۸۶-۸۷.
- ۷- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۹۷.
- ۸- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۶.
- ۹- علم اخلاقی اسلامی (ترجمه جامع السعادات مهدی نراقی)، ترجمه جلال الدین مجتبی، ج ۱، ص ۶۰.
- ۱۰- ملا محسن فیض کاشانی، اخلاق حسنه، ترجمه محمدباقر سعادی، ص ۱۲.
- ۱۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۳.

۶۲. همان.
۶۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۷۱.
۶۴. رضی الدین حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.
۳۸. محمد حسین حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۷، ص ۲۳ / ابرالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر الفرات الکوفی، ج ۲، ص ۳۸۳.
۳۹. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۹، ص ۶۱۹.
۴۰. اسماعیل بن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۲۰۷.
۴۱. ناصر مکارم شیرازی، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزک، ج ۱۰، ص ۴۱۴ / مصطفی زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۹، ص ۴۵.
۴۲. محمد بن علی قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۹، ص ۲۳۷.
۴۳. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۵.
۴۴. حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنا عشری، ج ۱۳، ص ۲۶۲ / فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۷۱۴ ج ۱۰، ص ۴۹۸.
۴۵. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۵۶.
۴۶. شیخ علی نمازی شاهرودی، مستدرک سفینة البحار، ج ۱، ص ۱۰۲.
۴۷. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۴.
۴۸. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ترجمه مترجمان، ج ۲۵، ص ۲۱۳.
۴۹. اسماعیل بن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۲۰۷.
۵۰. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۳۳.
۵۱. محمد علی مادان، اخلاق اسلامی، ص ۲۲.
۵۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱.
۵۳. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۷۸.
۵۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۵.
۵۵. احمد بن حنبل، مستدرک احمد، ج ۶، ص ۹۰.
۵۶. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۰ / سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۵۶.
۵۷. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ج ۱، ص ۶۸ خ ۹۸.
۵۸. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۳۹.
۵۹. قد به کسرباه به منای چیز پخته شده و به فتح آن پوست بره را معنا می دهد و با ضم قاف به معنای ماهی دریایی است. (رضی الدین حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۶).
۶۰. همان.
۶۱. محمد تقی مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۱۶، ص ۲۱۱.
۶۲. همان.
۶۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۷۱.
۶۴. رضی الدین حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.
- منابع
- تسبیح البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۶.
- آل غازی عبدالقادر، ملاحوش، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ش.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- احسائی، ابن ابی جمهور، هوالی اللثالی، قم، بی جا، ۱۴۰۳ق.
- احمد بن حنبل، مستدرک احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول، ترجمه علیرضا ذکاتوی، تهران، نی، ۱۳۸۲.
- اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بعثت، ۱۴۱۶ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
- حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج دوم، ۱۳۶۳.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران، میقات، ۱۳۶۳ق.
- حسینی همدانی، محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
- حویزی، عبدعلی جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ج چهارم، ۱۴۱۵ق.
- خسروی، میرزا علیرضا، تفسیر خسروی، تهران، اسلامی، ۱۳۹۰ق.
- زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، مکتبه الحیاء، بی تا.

- ۱۴۲۲ق. - زحیلی، مصطفی، التفسیر المنیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ق.
- سادات، محمدعلی، اخلاق اسلامی، تهران، سازمان تدوین کتب درسی، ۱۳۷۲.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، چ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، رضی الدین حسن، مکارم الاخلاق، بیروت، شریف الرضی، چ ششم، ۱۳۹۲ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه مترجمان، تهران، فرامانی، ۱۳۶۰.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، تهران، اسلام، ۱۳۷۸.
- عاملی، شیخ حرّ، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ط. الثالثه، ۱۴۱۴ق.
- علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السادات مهدی نراقی)، ترجمه جلال الدین مجتبی، تهران، حکمت، ۱۳۶۶.
- فولادگر، محمد، سیمای اخلاق در آینه قرآن و احادیث، اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۳۷۶.
- فیض کاشانی، ملّا محسن، اخلاق حسنه، ترجمه محمدباقر ساعدی، تهران، پیام آزادی، ۱۳۶۲.
- قسری، محمد بن علی، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
- کتیر دمشقی، اسماعیل بن، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ سوم، ۱۳۸۸.
- کوفی، ابرالناسم فرات بن ابراهیم، تفسیر الفرات الکوفی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، بیروت، مؤسسه الاعلی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الرفاه، ۱۴۰۳ق.
- مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدایت، ترجمه مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۷.
- مظہری، محمدتقی، تفسیر المظہری، پاکستان، مکتبه رشیدیہ، ۱۴۱۲ق.
- مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه،